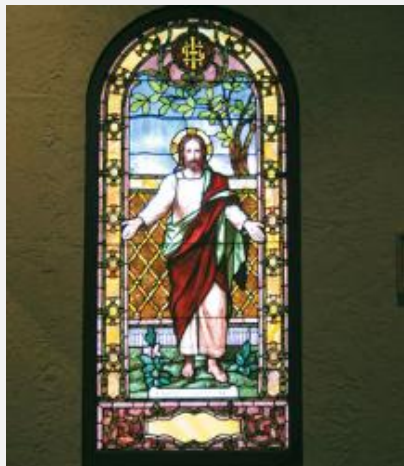


چرا مسیحیان از فارقلیط که مژده حضرت مسیح است به روح القدس تعبیر کرده اند؟

شاید با این انگیزه چنین معنا کرده اند که تا بشارت به دین پیامبر اسلام(ص) را محو نمایند...



شاید با این انگیزه چنین معنا کرده اند که تا بشارت به دین پیامبر اسلام(ص) را محو نمایند. توضیح این که: پیامبران الهی از حضرت آدم ابوالبشر تا حضرت خاتم (ص)، جملگی در یک خط سیر قرار دارند. و همه برای هدایت بشر مبعوث شده و در پی شناساندن بشر به شناخت راستین جهان از مبدأ تا معاد، قوانین الهی و فضایل اخلاقی می باشند، و هر یک مصدق (تأیید کننده) پیشین و مبشر پسین اند. قرآن در سوره صف این حقیقت را از زبان حضرت عیسی(ع) بیان می دارد که به بنی اسرائیل خطاب نمود که من پیامبر خدا هستم و مصدق موسی و مبشر احمد هستم.¹ به قول محمد شبستری:

یکی خط است از اول تا به آخر بر او خلق خدا جمله مسافر

در این ره انبیا چون ساریبند دلیل و راهنمای کاروانند

وز ایشان سید ما گشته سالار هم او اول هم او آخر در این کار

قرآن از بشارت پیامبران گذشته درباره پیامبر اسلام(ص) حکایت می کند و در تورات و انجیل کنونی، با وجود تحریفات، نوعی بشارت به ظهور پیامبر اسلام(ص) وجود دارد²

بشارت های موجود در کتاب های آسمانی پیشین دلیلی برای رسالت پیامبر اسلام(ص) و زمینه ای برای مسلمان شدن یهودیان و مسیحیان به شمار می آید. عالمان اهل کتاب، آنان که نمی خواستند مردم به پیامبر اسلام ایمان بیاورند و از مسلمان شدن دیگران ناخشنود بودند، در پی تحریف این بشارت ها بر آمدند. برخی را حذف و برخی را نادرست ترجمه نمودند. لفظ «فارقلیط» از این قبیل است. در انجیل یوحنا در فصل های چهاردهم، پانزدهم و شانزدهم لفظ فارقلیط آمده است. فارقلیط در اصل کلمه یونانی و ریشه آن «پریقلیتوس» به معنای بسیار ستوده بود که با پراقلیتوس به معنای تسلی دهنده اشتباه کرده اند. نویسنده کتاب «چراغ» در جزوه ای عین متن لاتین، انجیل یوحنا را از کتاب موسوم به اناجیل، چاپ پاریس، تألیف «لامنه»، موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، در آغاز کتاب خود آورده است و به خوبی نشان می دهد که فارقلیط در آن جا به صورت «پرکلیت» (به معنای بسیار ستوده = احمد) آمده است. نیز نوشته است: قدماى نصارا از لفظ «پرکلیت» اسم خاص فهمیده بودند، چون در ترجمه های سریانی و عبرانی عین لفظ فارقلیط را آوردند؛ در واقع این واژه مانند واژه های احمد، محمد و علی است که در ترجمه عینی همین واژه ها آورده می شود، مثلاً ترجمه جمله «جاء علی» می شود.

علی آمد، نه این که بگویم بلند مرتبه آمد. علی در این جا به معنای اسم خاص است نه بلند مرتبه. اما متأسفانه علمای مسیحی در زمان های بعدی برای محو نشانه نبوت پیامبر اسلام(ص) اولاً: پرکلیت را به پاراکلیت تبدیل کردند و ثانیاً آن را از صورت اسم خاص بیرون آوردند و به معنای وصفی در آوردند و آن را به تسلی دهنده ترجمه کردند³

علامه شعرانی در کتاب نثر طوبی می گوید: در یک لغت یونانی دیده ام که «فارقلیط» را به معنای بسیار ستوده و کسی که بر سر همه زبان ها افتاده و از او به نیکی یاد می کنند ترجمه کرده اند.⁴

در دایره المعارف بزرگ فرانسه آمده است: محمد مؤسس دین اسلام و فرستاده خدا و خاتم پیامبران است. کلمه «محمد» به معنای بسیار حمد شده است، و از ریشه حمد که به معنای تجلیل و تمجید است، مشتق گردیده و بر اثر تصادف عجیب، نام دیگری که آن هم از ریشه حمد است و مرادف لفظ محمد می باشد؛ یعنی احمد ذکر شده که احتمال قوی می رود، مسیحیان عربستان آن لفظ را به جای «فارقلیط» به کار می بردند. احمد، یعنی بسیار ستوده شده و بسیار مجلل، ترجمه لفظ «پیرکلنوس» است که اشتباهاً لفظ پاراکلتوس را جای آن گذاردند؛ به این ترتیب نویسندگان مذهبی مسلمان مکرر گوشزد کرده اند که مراد از این لفظ بشارت به ظهور پیامبر اسلام است. قرآن مجید نیز آشکارا در آیه شگفت انگیز سورخ صف به این موضوع اشاره می کند.⁵

1. صف آیه 6.

2. تورات، سفر تکوین، فصل 7، جملات 17 - 20؛ فصل 49، جمله 10؛ سفر تثیبه، فصل 33، جملات 1 - 5؛ انجیل یوحنا فصل 14، جمله 16؛ نیز فصل 15، جمله 26 و فصل 16، جمله 7.

3. ناصر مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج 8، ص 388 - 389.

4. همان، ص 389؛ نثر طوبی، شعرانی، ج 1، ص 197.

5. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 24، ص 76.

سایت پاسخگو